

بررسی رابطه‌ی بین هویت ملی و هویت دینی با پابندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه

نوذر قنبری^۱، هاییل حیدرخانی^۲، مسلم رستمی^۳

چکیده

فرهنگ شهروندی هنجارهای جامعه را رقم می‌زند و پایه‌های ارتباط میان شهروندان را شکل می‌دهد، شهری که از فرهنگ غنی شهروندان لبریز است، امنیت و آرامش در آن هویداست و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مختلف به چشم می‌خورد؛ مشارکتی سازنده که هزینه‌های اداره شهر را کاهش داده و لبخند را جایگزین دغدغه‌ها و نا آرامی‌ها می‌نماید. فرهنگ شهروندی هویتی تحصیل شده در مدتی کوتاه نیست و در یک دوره‌ی زمانی طولانی و در تعاملات اجتماعی ساکنان شهر ایجاد می‌گردد و از هویت افراد تأثیرپذیر است.

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار تحقیق پرسشنامه و استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی و پابندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباطی وجود دارد؟ جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه هستند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

برای پاسخگویی به سؤال اصلی این پژوهش، به بررسی و تحلیل ارتباط بین گرایش به هویت ملی

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران n.ghanbari@iauksh.ac.ir

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران h.heidarkhani@yahoo.com

۳- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران kiarash890@yahoo.com

(با ابعاد هویت سیاسی، هویت جغرافیایی، هویت تاریخی و هویت فرهنگی) و هویت دینی با ابعاد (تعلق به دینداری مناسکی، پیامدی و اعتقادی) با پایبندی به فرهنگ شهروندی پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از ارتباط بین تمامی متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد. بدین صورت که بین گرایش به هویت ملی و گرایش به هویت دینی در ابعاد مختلف با پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط معنادار وجود دارد.

کلید واژگان: شهروندی، فرهنگ شهروندی، هویت ملی، هویت دینی، شهر کرمانشاه.

مقدمه و بیان مسأله

هزاره‌ی جدید در حالی آغاز شد که نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نسبت شهرنشینی در دنیا به ۶۵ درصد خواهد رسید. زندگی به شیوه‌ی شهری بر نحوه‌ی برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و منطقه‌ای که در آن سکونت دارند، تأثیرگذار است. در چنین شرایطی، اگر شهرنشینان به کمک دولت‌ها و حکومت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند، خطر تمرکز امور، دورشدن از دموکراسی، کاهش کارایی، افزایش هزینه‌ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت در زندگی شهری، به وجود خواهد آمد.

مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است. شهروندی ارتباط بسیار وسیعی با مفاهیمی چون جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب دارد. جامعه‌ی مدنی و تحقق نهادهای مدنی، در مجموع تجربه‌ی عقلانی و موفق بشری است که منجر به مشارکت قانونمند و توسعه‌ی سیاسی - اجتماعی شده و در نتیجه، زمینه‌ی پیشرفت در حوزه‌ی اقتصاد و فرهنگ و تمدن را برای جوامع به وجود آورده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۰).

شهروندی^۱ یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی رواج داشته است. صاحب‌نظرانی که به قصد بررسی چگونگی تحول مفهوم شهروندی کتاب تاریخ را ورق زده‌اند، در یک نکته اتفاق نظر دارند و آن اینکه شهروندی موقعیتی است که هم حق افراد

را برای برخورداری از حقوق و هم مسؤولیت جمعی شهروندان را که اداره‌ی با ثبات امور بر آنها مبتنی است به رسمیت می‌شناسد (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۶).

پدیده‌ی شهروندی از جمله پدیده‌هایی است که در عصر تحولات سیاسی^۵ اجتماعی در جهان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. ارائه‌ی نظریه‌ها و گفتمان‌های روزافزون از سوی جامعه‌شناسان، فیلسوفان سیاسی و حقوقدانان، در زمینه‌ی حقوق شهروندی، نشان‌دهنده‌ی نیاز دنیای مدرن امروز، به ساز و کار چگونگی اجرای حقوق شهروندی در سطح جوامع است (احمدی، ۱۳۸۲: ۹۱).

امروزه مفهوم شهروندی با مفهوم و نگرش آن در گذشته بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه‌های مختلفی است؛ چنانچه در کنار حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، حقی نیز به نام حقوق فرهنگی وجود دارد. از این رو، شهروندی فرهنگی در یک بیان واضح ناظر به تأمین حقوق فرهنگی شهروندان است (فرجی، ۱۳۸۹: ۴۸۸). تحولات چند دهه‌ی اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ از این رو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است. شهروندی مقوله‌ای متنازع یا جدا از «فرهنگ شهروندان» نیست. برای داشتن شهروندی فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی با ملاحظه به فرهنگ شهروندان و برخاسته از آن باشد، نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یکسویه بر آرمان‌های ایدئولوژیک (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۲۷).

بنابراین امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازهای انسان ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان‌دهنده‌ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۹). فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر سبک زندگی و شکل دهنده‌ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی

جمعی و روی هم رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶).

از جمله عوامل مرتبط با فرهنگ شهروندی هویت افراد است. در رویکرد جامعه‌شناختی به هویت، بیشتر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می‌شود که مفهوم هویت، از تعامل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربه‌ی شخصی برمی‌خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، برای احراز و به رسمیت شناخته شدن، به مذاکره می‌پردازد که در مرحله‌ی بعد، این گفتگوها بین گروهی می‌شود. از دیدگاه تاجفل (۱۹۷۹)، افراد در درون گروه‌ها بر مبنای هویت فردی خود رفتار می‌کنند که هم زمان فرآیند انطباق با نگرش گروه (هویت یابی) نیز در جریان است. بر اساس نظریه می‌هی هویت اجتماعی آنگاه که هویت گروه‌ها و اجتماعات غالب شود، راه و رسم و روش‌های فردی محدود شده و هویت فرد تحت تأثیر هویت گروه یا اجتماع تضعیف می‌گردد و احتمال جستجو و یا مذاکره برای برجسته کردن هویت فردی با مشکل مواجه می‌شود. آنچه اهمیت دارد این است که در موارد غیراضطراری، لازم است تعامل یا دیالکتیک هویت در جامعه یا در بین گروه‌ها جریان داشته و فرآیند هویت‌یابی برقرار گردد تا پویایی جامعه حفظ شود. در فرآیند هویت‌یابی و در شرایط پویای جامعه، انسانها تابع یک هویت واحد نبوده، بلکه هم‌زمان دارای هویت‌های متعدد مذهبی، قومی، طبقاتی و... هستند که از آن به عنوان هویت چهل تکه نام برده می‌شود. با وجودی که این هویت‌ها به فرد بازمی‌گردد اما جنبه‌ی اجتماعی دارند؛ بنابراین ثابت نبوده و در طول زمان دستخوش تغییر می‌شوند که در فضاهای شهری این تعدد و در هم آمیختگی هویت‌ها به وضوح قابل مشاهده است.

بر این مبنای احساس تعلق به یک جامعه نتیجه‌ی عناصر عینی و ذهنی تشکیل‌دهنده‌ی هویت فرد است که با ارجاع به مفهوم می‌توان «شهروندی» و مؤلفه‌های آن را شناسایی کرد بنابراین با توجه به توضیحات داده شده، بررسی تأثیر گرایش‌های هویتی بر پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان مسأله‌ای مهم است و در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی با پایداری به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباطی وجود دارد؟

مبانی نظری

نظریه‌های هویت

از نظر «مکنزی»^۱ نظام اجتماعی به افراد یک گروه هویت ملی می‌بخشد و «هویت ملی» تنها یکی از مؤلفه‌های چهارگانه هویت فرهنگی است و سه نوع دیگر آن عبارتند از: هویت نژادی، هویت دینی و هویت طبقه‌ای. این تقسیم‌بندی در کشور ایران می‌تواند شامل هویت دینی، هویت ملی و هویت قومی باشد. اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی یا ناسیونالیسم بنامیم تعریف دقیق‌تر آن عبارت است از وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند. این وجدان جمعی است که میان افراد حاضر در جامعه و بین آنها و گذشتگان، رابطه و دلبستگی‌هایی ایجاد می‌کند و روابط و مناسبات آن‌ها را با هم و با سایر ملل رنگ می‌دهد و آمال و آرمان‌های آنان را به هم نزدیک و منطبق می‌سازد.

به نظر گیدنز^۲ هویت در رابطه با فرهنگ است و عبارت است از خود آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی به وجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست. از نظر وی هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد؛ به عبارت دیگر هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه‌ی تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به وی تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن

1 . Mak-Kenzi

2 . Giddens

را بطور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱).

از نظر استرایکر نیز عمل به انتظارات فرهنگی که از عوامل مؤثر بر هویت جمعی است، رعایت آزادی در تعاملات را هم تضمین می‌کند. «گلنر» نظام آموزش عام را سبب تجانس فرهنگی می‌داند که قواعد مشترکی را برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌نماید و عمل به این قواعد مشترک موجب ناسیونالیسم یا تعهد ملی عام می‌گردد (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۱۲). استرایکر و سرپ به تعهد کنش متقابلی که از طریق ارتباط با شبکه‌های مختلف روابط مشخص می‌شود، اشاره می‌کنند و می‌گویند:

"افراد خاص که شبکه‌های کنش متقابل را شکل می‌دهند از طریق چنین ساختارهای اجتماعی با تأثیر روی تعهدات مستقیماً بر هویت مؤثر می‌گردند" (دینش، ۱۹۹۹: ۷۴).

جنکینز استدلال می‌کند که بسیاری مطالعات جامعه‌شناختی و روزمره میان هویت (یا هویت‌های) اجتماعی و هویت فردی تمایز نوعی قائل می‌شوند؛ در حالی که امر یگانه‌ی فردی و امر مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد که مشابه همدیگر باشند (اگر دقیقاً با هم یکسان نباشند)؛ شاید بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی در این باشد که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد؛ با این حال حتی این هم چیزی بیش از این نیست که هریک از آنها بر یک موضوع تأکید می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۵).

جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و... در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان نمود

رده‌بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴-۳۶).

یکی از مشهورترین صاحب‌نظرانی که به طور جدی به طرح نظریه هویت پرداخته است تاجفل^۱ است که نوعی پیوند علی بین ملزومات هویت و اشکال مختلف رفتار بین گروهی قائل است. کانون توجه تاجفل این فرضیه است که هویت‌های اجتماعی مردم در ابتدا از طریق مقایسه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرد که گروه خودی را از گروه‌های غیرخودی متمایز می‌سازد. بر این اساس می‌توان گفت که این ایده، غلبه‌ی گروهی را، حتی در صورت نبود تضاد منافع واقعی، تبیین می‌کند (کوپر و کوپر، ۱۹۹۵: ۷۹۷ ° ۷۹۰).

ایده‌ی اساسی در این نظریه این است که افراد دارای عضویت‌های مقوله‌ای هستند که تعریف آنها از خودشان و ویژگی‌های گروهی را که دستورالعمل رفتار یا نشانه‌های هنجاری رفتار را تجویز می‌کند، مشخص می‌کند.

تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرضیاتی درباره‌ی پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند).

نظریه‌های مرتبط با فرهنگ شهروندی
ماکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت - شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است؛ وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌دانست.

از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و در حقیقت وابسته به مصلحت اندیشی و تدابیری بود که شهر به عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن براساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می شدند، متعهد به در نظر گرفتن آنها بود. از نظر او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آنها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش داد و ستد رقابت آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم‌ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه‌ی آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار می آمد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷).

برایان ترنر و جنیفر ریدن معتقدند شهروندی از یک سو بیان‌گر مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات جهان شمول است که برای تمام اعضای یک ملت قابل حصولند و از سوی دیگر مستلزم توسعه‌ی دموکراسی و مشارکت گروه‌های متنوع فرهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.

از نظر ترنر، توسعه‌ی مفهوم شهروندی ترکیبی است از:

۱. نگاه محافظه کارانه به شهروندی (ماهیت منفعل شهروندی، با تأکید بر توسعه‌ی از بالا به پایین، منزوی از جامعه‌ی مدنی و انجام عمده‌ی کارها، حتی امور مربوط به بخش خصوصی) توسط دولت؛

۲. دیدگاه انقلابی به شهروندی (ماهیت فعال شهروندی، با تأکید بر توسعه‌ی از پایین به بالا، مانند سازمان‌های مشارکتی محلی در عرصه‌ی عمومی و جوامع مدنی) (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲ ° ۱۱).

ژانوسکی (۱۹۹۸) شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت -ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی است که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شود و دارای ضمانت

اجرائی است.

پارسونز شهروندی را نتیجه‌ی توسعه‌ی مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله‌ی کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله‌ی کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از شهروندی ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲).

در نظر هابرماس (به طور خاص) و در اندیشه‌ی سیاسی اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه‌ی نوپدید به عنوان «حوزه‌ی عمومی» و «جامعه‌ی مدنی» مطرح شده است. از نظر وی دریافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضوی از تمام جامعه‌ی خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. حوزه‌ی عمومی عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه‌ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه‌ی خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، به اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد. در چنین حوزه‌ای نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، دریافت حوزه‌ی عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسؤلیت

شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۱).

گی ارمه معتقد است که فرهنگ شهروندی دارای سه ویژگی است. اولین ویژگی این است که شهروندی باید از پیش بر یک الفبای مقدماتی، یعنی حداقل بر اساس شناخت‌هایی از تاریخ و محیط پی‌ریزی شود. به عبارت دیگر، شهروند باید قادر شود تا به سوی بیرون بنگرد، پنجره را بگشاید، در انزوا زندگی نکند و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد. دومین ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک حقیقی، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزشهای اخلاقی است. شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. ویژگی سوم که اهمیت بنیادی نیز دارد، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت دو ویژگی قبلی است و نوعی ویژگی تکلیف‌مدارانه است. در جامعه‌ای که به نظر پوپر دموکراتیک است و کثرت‌گرایی و آزادی حاکم است، اخلاق مدنی بیشتر با جامعه سازگاری دارد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۱).

نظریه‌های ارتباط بین هویت و فرهنگ شهروندی (چارچوب نظری پژوهش)

در سنت اجتماع‌گرایی افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند، چرا که بسیاری از نام و نشانهای خود را از اجتماع کسب کرده، در اجتماع پرورش می‌یابند، آگاهی یافته و نقش‌هایی را که به لحاظ اجتماعی تعریف شده، انجام می‌دهند. در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقا و دوام اجتماع بوده و ضرورتاً هویت اجتماع بر هویت افراد ارجحیت دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد؛ به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، در بردارنده‌ی انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست (اولفیلد، ۱۹۹۰؛ به نقل از نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

شوارتزمنتال (۲۰۰۳) در دفاع از رویکرد جمهوری خواهانه، آن را فراخوانی برای تقویت

هویت مدنی و شهروندی مشترک می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اگرچه هویت ملی در ایجاد احساسات مشترک سیاسی یکی از عوامل اساسی است، اما این ملی‌گرایی مدنی است که در ترغیب احساسات مربوط به شهروندی و هویت سیاسی مؤثر است. در این راستا وی با دعوت به تقویت سیاست‌های دموکراتیک در ایجاد نهادهای مدنی، احیای بستر مناسب برای مشارکت افراد در جمهوری‌های جدید را توصیه می‌کند. بر خلاف اجتماع‌گرایان، تفکر لیبرالیستی فردگراست؛ افراد اولویت هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارند و به عنوان موجود خودمختار و عقلانی تعریف می‌شوند. هویت شهروندی در این رویکرد به این دلیل ارزشمند است که با اعطای حقوق به افراد، فضای لازم را برای دنبال کردن منافع فردی و آزادی‌های شخصی فراهم می‌آورد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

شهروندی موقعیتی است که در آن بر حقوق فردی‌ای تأکید می‌شود که بر اساس آن جایگاه فرد در برابر دولت و دیگر شهروندان تعریف می‌شود. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات، تشکیل هیأت‌های پارلمانی و... دنبال کنند (شیانی، ۱۳۸۱).

دیوید میلر نیز در بحث از هویت ملی، بر باورها و ارزش‌هایی تأکید می‌کند که اغلب، در عمیق‌ترین لایه‌های اذهان اجتماعی پنهان هستند. وی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هویت ملی را مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی می‌داند که بدان «منش ملی» نام داده و ترجیح می‌دهد از آن به عنوان فرهنگ عمومی مشترکی یاد کند که دارای ارتباطات نزدیکی با فرهنگ شهروندی است (میلر، ۱۳۸۳: ۲۵).

پیشینه‌ی پژوهش

مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)» به انجام رساندند. این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۵۸ نفر از شهروندان شهر بوشهر انجام شد. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که

متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند؛ همچنین متغیرهای قانون مداری، منافع جمعی، عام گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن رابطه‌ی معناداری را با متغیر وابسته نشان ندادند.

رضایی و دیگران (۱۳۹۰) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی اثر فرهنگ اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی مورد کاوی دفاتر پلیس +۱۰ شهر تهران» به انجام رساندند. در این مقاله که با روش توصیفی انجام شده است، با استفاده از مفاهیم فرهنگ و تلفیق آن با مفاهیم اسلامی، دیدگاهی نو و بومی از فرهنگ اسلامی ارائه شده تا ضمن بررسی و مشاهده کارکرد فرهنگ اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی، ابعاد آن نیز به کمک رگرسیون خطی و تکنیک مدل معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج این تحقیق، علاوه بر شناسایی جایگاه فرهنگ اسلامی در سازمان به عنوان یکی از ابعاد فرهنگی حاکم بر جامعه، سعی دارد تا زمینه‌ی به کارگیری آن را در ایجاد و ارتقای رفتار شهروندی سازمانی مورد توجه قرار دهد.

هاشمیان فر و عجمی (۱۳۹۱) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان» به انجام رساندند. روش تحقیق در این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل ساکنان بافت حاشیه‌ی شهر اصفهان بود و نمونه‌ی آماری این تحقیق ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای زمینه‌ای به غیر از (جنس، وضعیت تاهل، مدت اقامت، تحصیلات) نشان می‌دهد که بین متغیر علت مهاجرت و نوع شغل با فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به مقادیر p جدول و نسبت‌های بحرانی، نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش بود. نتایج به دست آمده از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۹۹ درصد بیشترین تأثیر را بر فرهنگ شهروندی افراد بافت حاشیه‌ی اصفهان داراست.

شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی» به انجام رساندند. جامعه‌ی آماری پژوهش مشتمل بر کلیه‌ی اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۴ و دانشگاه‌های دولتی یزد، اصفهان، تهران، مشهد و شیراز در رشته‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و روانشناسی بالغ بر ۲۸۳ نفر بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بعد هویت ملی دارای ۲۰ زیر مؤلفه است که از این میان «ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی» با بار عاملی ۰.۸۱ بیشترین ضریب و مؤلفه «استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی» با بار عاملی ۰.۳۴ کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در بعد هویت جهانی بیشترین بار عاملی مربوط به مؤلفه «آگاهی از نقش خود به عنوان شهروند جامعه‌ی جهانی» با بار عاملی ۰.۷۱ و کمترین بار عاملی مربوط به مؤلفه «توانایی ارزیابی و نقد مسائل محیطی جهانی» با بار عاملی ۰.۳۴ بوده است. در بعد هویت ملی و هویت جهانی بین نظرات پاسخگویان با توجه به رشته‌ی تخصصی آنها تفاوت وجود داشت. در بعد هویت ملی میانگین پاسخگویان رشته‌ی جامعه‌شناسی در مقایسه با روانشناسی بالاتر بود. همچنین میانگین نظرات پاسخگویان رشته‌ی علوم تربیتی بالاتر از روانشناسی است. در بعد هویت جهانی میانگین رشته‌ی روانشناسی بالاتر از جامعه‌شناسی و علوم تربیتی بالاتر از جامعه‌شناسی بوده است ولی در دیگر ابعاد جمعیت شناختی بین نظرات پاسخگویان تفاوتی مشاهده نگردید.

مطالعات میدلتون (۲۰۱۱) نشان داده است که نیاز ضروری شهروندان فراگرفتن مهارت‌هایی برای شهروندی از قبیل توانایی گفت و گو، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، به دست آوردن سرمایه، انتخاب همسر متعهد به جامعه، استفاده از فناوری به عنوان یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت شهروندی، مسؤولیت در برابر توسعه، مشورت در انتخاب کار، تبلیغات و بازاریابی است.

لی (۱۹۹۹) تحقیقی را در سطح آسیا انجام داد و ویژگی‌های زیر را برای شهروند خوب

بودن لازم دانست: آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسؤولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، پذیرش انتقاد، توانایی انتقاد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، آگاهی از حکومت و دولت، حس وطن‌پرستی، پذیرش مسؤولیت خانواده، آگاهی و دانش نسبت به جامعه‌ی جهانی، احترام به تنوع و تکثر فرهنگی.

فرضیه‌ها

فرضیه‌های اصلی

- بین گرایش به هویت ملی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به هویت دینی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین گرایش به هویت سیاسی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به هویت فرهنگی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

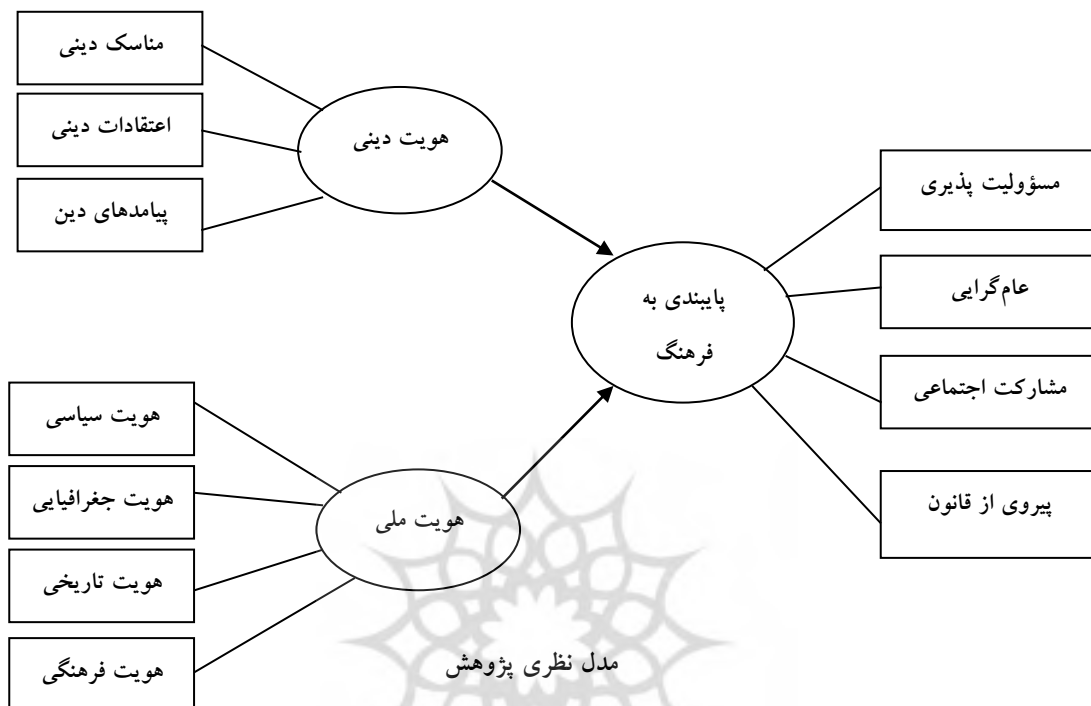
- بین گرایش به هویت جغرافیایی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به مناسک دینی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به اعتقادات دینی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به پیامدهای دین و پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.



روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. در مطالعه‌ی میدانی، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه‌ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه‌ی آماری و جمعیت نمونه:

جامعه‌ی آماری این مطالعه کلیه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه هستند. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه‌ی «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس آن

تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه‌ی آماری تشخیص داده شدند، به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه‌ی نمونه‌گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده است. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و AMOS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیه‌ها، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه به کار گرفته شد.

در این رابطه برای اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات استادان و کارشناسان مربوط پرداخته و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه استفاده شده است؛ بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

- فرهنگ شهروندی

تعریف مفهومی:

فرهنگ شهروندی یک کلیت است که از عناصر گوناگون و متعدد تشکیل یافته است. فرهنگ شهروندی یک محصول جمعی، تاریخمند و پایدار است. فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی است که احساس تعلق به جامعه را در فرد به وجود آورده و احترام به میراث مشترک و به رسمیت شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد ایجاد می‌کند (همتی و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

تعریف عملیاتی:

در پژوهش حاضر فرهنگ شهروندی با ۴ شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عام‌گرایی، مشارکت اجتماعی و گرایش به پیروی از قانون سنجیده شده است.

- هویت ملی

تعریف مفهومی:

هویت ملی یکی از مؤلفه‌های بنیادی شکل‌گیری و بقای جامعه‌ی ملی و اصلی‌ترین حلقه‌ی ارتباطی با هویت عام قومی است که می‌تواند مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت

را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌ساز در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۹۷). هویت ملی بالاترین و فراگیرترین و در حین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدا از گرایش‌های ایدئولوژیکی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۷۹). بحث از هویت ملی مستلزم مروری بر چند و چون پیدایی ملت‌ها و به دنبال آن مفهوم ملت است که بعداً واژه‌ی ملی از آن گرفته شده است (دوران، ۱۳۸۳: ۶۴).

تعریف عملیاتی:

هویت ملی در پژوهش حاضر با چهار شاخص هویت تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی سنجیده شده است.

- هویت دینی

تعریف مفهومی:

از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است، به این معنا که انسان مستقل از هر گونه یادگیری در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی در اعمال و رفتار دینی آشکار می‌گردد و به طور کلی رابطه‌ی آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله‌ی هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. و به گفته‌ی یکی از روانشناسان، هدف ایدئولوژی ایجاد تصویری در ذهن شخص است که احساس فردی و جمعی هویت را در او تقویت نماید (شاملو، ۱۳۹۰: ۶۷). بدیهی است از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسؤولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است. برخی از صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی تلقی می‌نمایند.

تعریف عملیاتی:

هویت دینی در پژوهش حاضر با تعهد به دینداری مناسکی، اعتقادی و پیامدی سنجیده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۲/۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۷/۵ درصد دیگر را زن تشکیل داده‌اند.

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۳۹ درصد افراد مورد مطالعه مجرد و ۶۱ درصد دیگر متأهل هستند.

نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۲۰ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۷ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۹ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های گرایش به هویت ملی، احساس تعلق به هویت جغرافیایی دارای بیشترین میانگین (۳.۶۹) و گرایش به هویت فرهنگی دارای کمترین میانگین (۳.۱۱) است. نمره‌ی کل گرایش به هویت ملی (۳.۵۶) است که نشان می‌دهد گرایش به هویت ملی بالاتر از متوسط و رو به زیاد است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های هویت دینی، احساس گرایش به بعد اعتقادی دارای بیشترین میانگین با (۳/۸۱) و بعد مناسکی دارای کمترین میانگین (۳.۰۱) است. نمره‌ی کل گرایش به هویت دینی (۳.۶۲) است که نشان می‌دهد گرایش به هویت دینی نیز همانند هویت ملی بالاتر از متوسط و رو به زیاد است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های پایبندی به فرهنگ شهروندی، مشارکت اجتماعی دارای بیشترین میانگین با (۳/۴۹) و بعد عام‌گرایی دارای کمترین میانگین با (۲.۸۹) است. نمره‌ی کل پایبندی به فرهنگ شهروندی (۳.۱۷) است که نشان می‌دهد پایبندی به فرهنگ شهروندی در سطح متوسطی است.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

- بین گرایش به هویت ملی (سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی) با پایبندی به

فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و ابعاد آن (سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی) با پایبندی به فرهنگ شهروندی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول ۱. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

پایبندی به فرهنگ شهروندی		نام متغیر	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص‌ها	
۰/۰۰۰	۰/۳۱	هویت سیاسی	هویت ملی
۰/۰۰۰	۰/۳۷	هویت جغرافیایی	
۰/۰۰۰	۰/۳۰	هویت تاریخی	
۰/۰۰۰	۰/۳۳	هویت فرهنگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	نمره‌ی کل هویت ملی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری با شدت متوسط وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت جغرافیایی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ($P=0.37$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و همبستگی بین گرایش به هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0.30$) است. همچنین رابطه بین هویت فرهنگی ($P=0.33$) و هویت سیاسی ($P=0.31$) با پایبندی به فرهنگ شهروندی نیز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار با شدت متوسط است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هرچه میزان گرایش به هویت ملی ($P=0.35$) و ابعاد آن بیشتر شود، میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی بیشتر می‌شود.

- بین گرایش به هویت دینی (اعتقادی، پیامدی، مناسکی) با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت دینی و ابعاد آن

(اعتقادی، پیامدی، مناسکی) با پایبندی به فرهنگ شهروندی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق

پایبندی به فرهنگ شهروندی		نام متغیر	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص‌ها	
۰/۰۰۰	۰/۲۶	اعتقادی	هویت دینی
۰/۰۰۰	۰/۳۸	پیامدی	
۰/۰۰۰	۰/۲۸	مناسکی	
۰/۰۰۰	۰/۲۷	نمره‌ی هویت دینی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت دینی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری با شدت متوسط وجود دارد. در این میان رابطه بین گرایش به دینداری پیامدی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ($P=0.38$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و همبستگی بین گرایش به دینداری اعتقادی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0.26$) است.

همچنین رابطه بین بعد مناسکی دینداری با پایبندی به فرهنگ شهروندی نیز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار با شدت متوسط ($P=0.28$) است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت دینی ($P=0.27$) و ابعاد آن بیشتر شود، میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی بیشتر می‌شود.

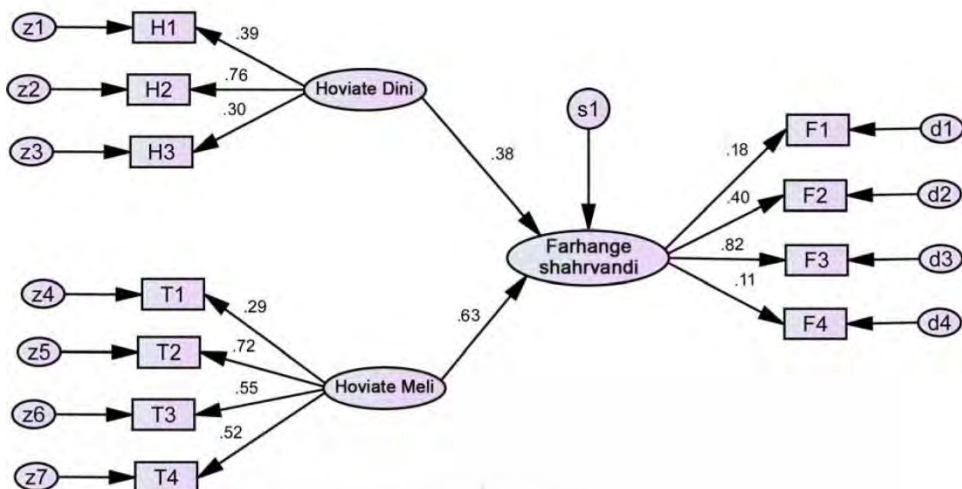
مدل معادله‌ی ساختاری

به منظور تعیین شدت و برای تأثیر هویت دینی و هویت ملی بر میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه در وضعیت‌های مختلف، از یک مدل معادله‌ی ساختاری بهره گرفته شده است. که این مدل معادله‌ی ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل‌دهنده‌ی مدل معادله‌ی ساختاری عبارتند از: ۱- مدل اندازه‌گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه‌گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه‌ی سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو

یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند. در این مدل ۱۱ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده h_1, h_2, h_3 , معرف‌های متغیر پنهان هویت دینی هستند و متغیرهای مشاهده شده T_1, T_2, T_3, T_4 معرف‌های متغیر پنهان هویت ملی هستند. همچنین متغیرهای مشاهده شده F_1, F_2, F_3, F_4 معرف‌های متغیر پنهان پایبندی به فرهنگ شهروندی هستند. متغیرهای خطای z و d نماد خطای اندازه‌گیری ۱۱ متغیر مشاهده شده هستند.

جدول ۳. متغیرهای موجود در مدل

متغیر	شاخص‌ها	نمادهای ترسیمی در مدل
هویت دینی	دینداری اعتقادی	H1
	دینداری پیامدی	H2
	دینداری مناسکی	H3
هویت ملی	هویت سیاسی	T1
	هویت جغرافیایی	T2
	هویت تاریخی	T3
	هویت فرهنگی	T4
فرهنگ شهروندی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	F1
	عام‌گرایی	F2
	مشارکت اجتماعی	F3
	گرایش به پیروی از قانون	F4



با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، این نکته روش شناختی دریافت می‌شود که نمره‌ی هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل متغیر پنهان ما هویت دینی و شاخص مشاهده شده آن دینداری پیامدی (H2) است. حال پاسخگویی به متغیر مشاهده شده عام‌گرایی، تعیین خواهد کرد که دینداری پیامدی در چه موقعیتی قرار دارد. به عبارت دیگر وزنی که h_1 , h_2 , h_3 در مدل پژوهش دارند تعیین کننده‌ی میزان هویت دینی پاسخگو هستند. در متغیر وابسته‌ی ما یعنی پابندی به فرهنگ شهروندی اثر فرهنگ شهروندی بر روی F_3 با 0.82 این معنا را می‌دهد که متغیر پنهان فرهنگ شهروندی بیشترین توان تحلیل F_3 یا (گویه‌هایی که مستقیم به مشارکت اجتماعی فرد مربوط می‌شوند) را با بالاترین ضریب دارد و در متغیر پنهان هویت ملی، هویت جغرافیایی با ضریب 0.72 بیشترین توان تحلیل این متغیر را داراست. در کل اثر متغیر مستقل هویت ملی با ضریب 0.63 تأثیر بیشتری را بر میزان فرهنگ شهروندی داشته است. این مقدار بیشتر از هویت دینی 0.38 است بنابراین می‌توان گفت که درصد بالای فرهنگ شهروندی افراد به هویت ملی آنان بیشتر از سطح هویت دینی‌شان ارتباط دارد.

برازش مدل

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها
۰/۷۷	NNFI	۰/۸۷	GFI	۷۵۵/۴۵	CMIN
۰/۷۳	NFI	۰/۸۱	AGFI	۰/۰۰، ۲۴۶	,df
۰/۰۷۲	RMSEA	۰/۷۴	CFI	۱۴/۵۳	CMIN/DF

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود^۲ است (محمدی و امیری، ۱۳۸۹). هرچه مقدار مجذور کای به صفر نزدیکتر باشد، نشان‌دهنده‌ی برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۸). شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص $df/2$ است که اگر کوچکتر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است (می‌یر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). براساس قاعده‌ی کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده‌ی برازندگی (NFI) و نرم نشده‌ی برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان‌دهنده‌ی برازش نسبتاً خوب مدل هستند (کلین^۲، ۲۰۰۵). همچنین شاخص ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۳ (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی

1- Meyers
2- kline
3- Loehlin

خوب، ۰/۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیکتر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند. در جدول ۴ نتایج تحلیل عامل مرتبه‌ی اول برای ساختار چهار عاملی نشان داده شده است که مقدار مناسبی است.

نتیجه‌گیری

شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه^۱، بلکه یک موقعیت فعالانه^۲ است که به کمک مجموعه‌ی حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره‌ی عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسؤولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند و بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌ی اساسی انسان‌ها را ارضا کند.

پدیده‌ی شهروندی از جمله پدیده‌هایی است که در عصر تحولات سیاسی^۳ اجتماعی در جهان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. ارائه‌ی نظریه‌ها و گفتمان‌های روزافزون از سوی جامعه‌شناسان، فیلسوفان سیاسی و حقوقدانان، در زمینه‌ی شهروندی، نشان‌دهنده‌ی نیاز دنیای مدرن امروز، به ساز و کار چگونگی اجرای شهروندی در سطح جوامع است. به طوری که مسائل جوامع و راه‌های کاهش مشکلات شهروندان، آگاهی از حقوق شهروندان و توجه به تهیه‌ی شیوه‌های تعمیم آن و همچنین فرهنگ شهروندی در شهرها، خود از موضوعات مهم در سیاستگذاری اجتماعی، انتظامی و... تلقی می‌شود.

با توجه به اهمیت بحث از فرهنگ شهروندی در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی و پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه پرداخته شد. در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی (با ابعاد هویت سیاسی، هویت جغرافیایی، هویت تاریخی و هویت فرهنگی) و هویت دینی با ابعاد (تعلق به دینداری مناسکی، پیامدی و اعتقادی) و پایبندی به فرهنگ شهروندی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری با شدت متوسط وجود

1- Passive position

2- Active position

دارد. در این میان رابطه بین هویت جغرافیایی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ($P=0.37$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و همبستگی بین گرایش به هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0.30$) است. رابطه بین هویت فرهنگی ($P=0.33$) و هویت سیاسی ($P=0.31$) با پایبندی به فرهنگ شهروندی نیز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار با شدت متوسط است بنابراین می‌توان استدلال کرد که هرچه میزان گرایش به هویت ملی و ابعاد آن بیشتر شود، میزان پایبندی به فرهنگ سیاسی بیشتر می‌شود.

همچنین بین تمامی ابعاد گرایش به هویت دینی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری با شدت متوسط وجود دارد. در این میان رابطه بین گرایش به دینداری پیامدی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ($P=0.38$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و همبستگی بین گرایش به دینداری اعتقادی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0.26$) است. رابطه بین بعد مناسکی دینداری با پایبندی به فرهنگ شهروندی نیز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار با شدت متوسط ($P=0.28$) است بنابراین می‌توان استدلال کرد که هرچه میزان گرایش به هویت دینی و ابعاد آن بیشتر شود میزان پایبندی به فرهنگ سیاسی بیشتر می‌شود.

بر اساس یافته‌های حاصل از آزمون معادلات ساختاری (AMOS) در کل اثر متغیر مستقل هویت ملی با ضریب ۰.۶۳ تأثیر بیشتری را بر میزان فرهنگ شهروندی داشته است. این مقدار بیشتر از هویت دینی ۰.۳۸ است بنابراین می‌توان گفت که درصد بالای فرهنگ شهروندی به هویت ملی آنان بیشتر از سطح هویت دینی‌شان ارتباط دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین هویت و فرهنگ شهروندی با یافته‌های پژوهش‌های نیازی و دیگران (۱۳۹۳)، شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹)، گروسمن (۲۰۰۰) و جانوسکی و همکاران (۲۰۰۲) همخوانی دارد. نیازی و همکاران و همچنین شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹) در نتایج خود به ارتباط بین هویت در ابعاد فردی و اجتماعی با فرهنگ

شهروندی دست یافتند. نتایج پژوهش جانوسکی و همکاران بیانگر آن است که شهروندی از یک سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه‌ی مستقیم دارد. کر و کلیور نیز معتقدند شهروندی و تربیت شهروندی تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون هویت و تعلق ملی و محلی، قرار می‌گیرد.



منابع

- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۲). پوشش حمایتی نظام حقوقی ایران برای بیکاران، فصلنامه‌ی الهیات و حقوق، شماره‌ی ۹ و ۱۰.
- ارمه، گی. (۱۳۷۶). فرهنگ دموکراسی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس
- پورعزت، علی اصغر و دیگران. (۱۳۸۸). رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه‌ی تورج یار احمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دوم، شماره‌ی ۵.
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱). هویت شهروندی، اندیشه و پژوهش، سال پنجم، شماره‌ی ۵۱.
- دوران، بهزاد، (۱۳۸۳). هویت خانوادگی و تعامل در فضای سایبرنتیک، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۴.
- رزازی فر، افسر. (۱۳۷۹). الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دوم، شماره‌ی ۵.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۰). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، تهران: رشد.
- شاه طالبی، بدری. (۱۳۸۷). بررسی مؤلفه‌های مبتنی بر ارزش‌ها و ارائه‌ی چارچوب مناسب جهت ارتقای این رویکرد رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی منطقه چهار، پایان‌نامه‌ی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شاه طالبی، بدری و دیگران. (۱۳۸۹). تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، فصلنامه‌ی رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار سال چهارم، شماره‌ی ۲، تابستان.
- شیان، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳.
- شیان، ملیحه و داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

- در میان دانشجویان، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره‌ی ۵۰.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلامی و ایرانی.
 - فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.
 - فرجی، امین. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری، مجموعه مقالات دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، دانشگاه تهران.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.
 - مهدوی، سیدمحمدصادق و عاشوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۴، پاییز.
 - میلر، دیوید. (۱۳۸۳). ملیت، ترجمه‌ی داود غزایاق زندی، مؤسسه‌ی مطالعات ملی.
 - نیازی، محسن و دیگران. (۱۳۹۳). تبیین رابطه‌ی بین هویت‌های سه‌گانه‌ی فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)، مجله‌ی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره‌ی چهارم، پاییز.
 - هاشمیان‌فر، سیدعلی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره‌ی ۱.
 - هاشمیان‌فر، سیدعلی و عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳.
 - هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی ۹، تابستان.
 - Dinesh, Bhugra et al. (1999) Cultural Identity and Its Measurement: A Questionnaire for Asians, International Review of Psychiatry, 11, 2/3.
 - Grossman D. (2000), the global and the local in partnership: Innovative approaches to citizenship education. Paper presented at the sixth Unesco-

- Aceid, international conference on education, Bangkok, Thailand.
- Janoski, T (1998). *citizenship and civil society*, Cambridge university press.
 - Janoski. T, Gran B (2002), *Political citizenship: foundations of rights*, handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi, 13-53.
 - Kupper. Adam and F.Jessice Kupper, (1996); *Social science Encyclopedia* 2 and Edition 1996. Rutledge London.
 - Lee, W, O. (1999), *Qualities of Citizenship for the new century: Perception of Asian Educational Leaders*. Paper Presented at the Fifth UNESCOACEID International Conference on Reforming Learning, Curriculum
 - Middleton, J. (2011), *Citizenship toolkit Provides much needed support*, URL: <http://www.Enrich UK. Net news/ article/ 30>.
 - Wynn. Johanna and white, Rob (1997); *Rethinking youth*, first pub, London, sage pub.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی